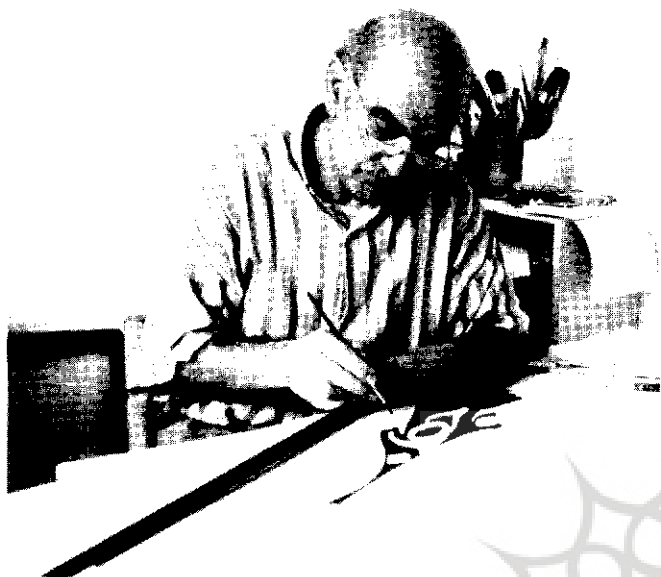


گفتگو با نصرالله افجه‌ای، هنرمند خوشنویس



تا نقش زمین بود و زمان بود، علی (ع) بود

گفت و گو از: سهیلا نیاکان

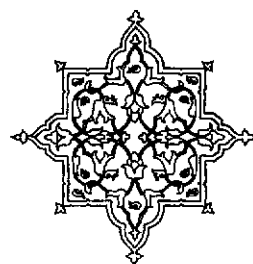
○ سیر تحول حضور شخصیت حضرت علی (ع) در هنرهای ایرانی از دیرباز تاکنون چگونه ارزیابی می‌شود؟

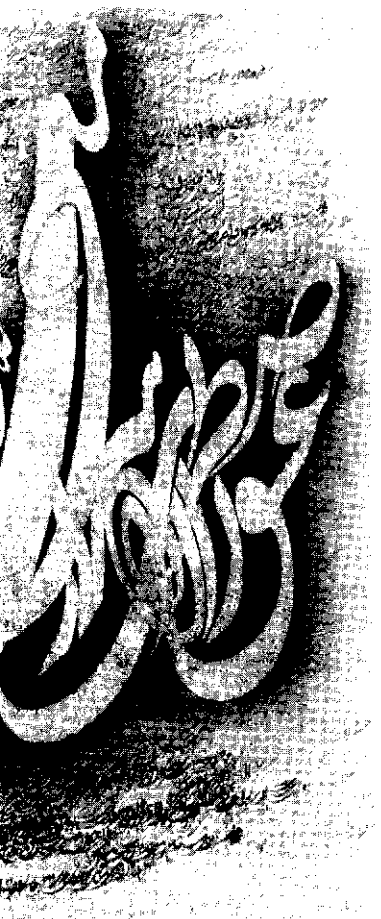
بسم الله الرحمن الرحيم. وجود مبارک حضرت علی (ع) همواره در طول تاریخ برای ما ایرانیان محترم بوده است. به این دلیل که اولین شخصیتی که آیات الهی رامکتوب کرده و آنرا با قلم و به خط کوفی به رشته تحریر درآورد، حضرت علی (ع) بود و الان آثار ایشان به طور مستند وجود دارد، یعنی اوراق نوشته شده توسط دست مبارک ایشان در موزه‌ها، بخصوص موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

زمانی که خط کوفی در تمام دنیا گسترش و تعمیم می‌یابد و با هر نامی در هر نقطه‌ای از جهان وارد می‌شود با اعمال سلايق هر فرهنگ و ملت تاثیر خاص خود را می‌گرفته است؛ چه بسا وقتی خط کوفی وارد ایران می‌شود، به سبک و سلیقه ایرانی به دست طراحان تاثیر می‌گیرد و همه اینها به طور مستند در طول تاریخ موجود است. ما اکنون بیش از چهل نوع خط کوفی به صورت مکتوب و مستند در اختیار داریم. وقتی در ایران، طراحی‌های کوفی را در روینا و درون معماری اسلامی و در کتابها مشاهده می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هویت ایرانی کاملاً در این آثار مستتر است. اما حضور مبارک حضرت علی (ع) به دلیل مسائل فرهنگی و به دلیل قدرت ابعاد وجودی شخصیت ایشان، معنویت خاصی نیز در اجتماع فرهنگی ما تعمیم داده است، چرا که بیان شخصیت حضرت، مطلبی نیست که از عهده افراد ناتوان برآید. توانمندان بزرگ نیز هنوز توانایی تفسیر و تحلیل همه ابعاد شخصیت

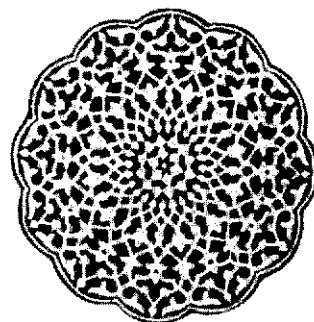
اشاره:

استاد نصرالله افجه‌ای از هنرمندان برجسته خوشنویسی کشورمان است. وی از سی سال پیش تاکنون در این رشته و به طور تخصصی در زمینه نقاشی، خط فعالیت می‌کند. درباره تاثیرات شخصیت و مکتب امام علی (ع) در هنر خوشنویسی و آثار خوشنویسان گفتگویی با وی انجام شده است که از نظر تان می‌گذرد.





امام علی (ع) را ندارند. ایشان یک وجود ناشناخته و یک عظمت الهی است که فقط باید از گوشه و کنار چنین نعمتی بهره گرفت. تاثیری که کلام و نوشته‌های ایشان در جامعه ما باقی گذاشت و به عنوان الگو مورد توجه قرار گرفت، در مورد همه زمینه‌ها صدق می‌کند؛ و نه فقط در طراحی و شکل خط همچنین گفته‌ها و هر کلمه از کلمات ایشان چنان تاثیری در اجتماع ما بخصوص در قشر هنرمند داشته که معنویت ویژه‌ای را مطرح کرده است. یعنی اگر مقداری عمیق‌تر به کلام حضرت امیرالمؤمنین (ع) دقت کنیم، می‌بینیم که ایشان اصل حقوق بشر را طرح کرده‌اند. زمانی که امام علی (ع) به مالک اشتر که شخصیت بزرگ سردار ملی ایشان بود، برای فرمانروایی مصر فرمان می‌داد، به او تاکید می‌کرد در طبقاتی که با آنها سرو کار داری، آنها را از اعضای جامعه بدان همانطور که دست و گوش، چشم و زبان تو از یکدیگر جدا هستند، آگاه باش که این اعضاء در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند. در واقع اصل حقوق بشر همین است و از طرفی بر این اساس معنی «بنی آدم اعضاء یکدیگرند» سروده سعدی را بهتر دریافت می‌کنیم می‌دانیم که این شعر سعدی اکنون در ساختمان سازمان ملل الگویی شده است و آن را به عنوان یک سمبل به جهانیان معرفی می‌کنند. پس این مضمون، همان کلام حضرت علی (ع) است. ما در فرهنگ‌مان توانمندی‌های بسیار و بار فرهنگی فراوانی داریم که باید به تدریج آنها را بشناسیم و به جامعه بازشناسانیم. در زبان غربی‌ها، مثالی با این عنوان وجود دارد که می‌گویند Knowledge is power یعنی دانستن، توانستن است. این در حالی است که قرن‌ها پیش فردوسی گفته است: «توانا بود هر که دانا بود» البته برخی معتقدند خواستن، توانستن است. ولی حقیقت همان مطلبی است که فردوسی گفته است و در شرح آن می‌توان گفت چیزی که بشر را هدایت و حمایت می‌کند، همین بعد فرهنگی کار است و در نهایت نشأت گرفته از همان کلام حضرت امیرالمؤمنین است به این ترتیب اگر در جای جای کلام ایشان تعمق کنیم، خواهیم دید همه چیز برای کسانی که طالب دانش و فرهنگ هستند، الگو و پیام‌آور است. به هر حال، این چیزی است که من شخصاً از آن تاثیر گرفته‌ام. باید دانست با توجه به اینکه انسان در مقاطع مختلف زمانی در شرایط گوناگونی به سر می‌برد، همیشه یک پیش‌ذهنی نسبت به آن زمان برایش بوجود می‌آید. مثلاً در ماه مبارک رمضان، انسان در شرایط عبادت قرار می‌گیرد و عبادت در این ماه با حضرت امیر (ع) ارتباط پیدا می‌کند. خوشنویسان معمولاً در ماه رمضان، آن چیزی را مکتوب می‌کنند که در رابطه با حضرت علی (ع) است و امکان ندارد ما که در این صنف مشغول کار هستیم، نوشته‌هایمان بی‌ارتباط با آن حضرت باشد. این موضوع بخصوص در شبهای قدر در کار خوشنویسان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به اوج خود می‌رسد و هنرمند شرایط خاصی روحی پیدا می‌کند که هر کاری بخواهد در این زمینه ارائه کند، همان را خلق می‌کند. بهر حال، اینها تاثیراتی هستند که به



طور مستقیم و غیرمستقیم به وجود حضرت علی (ع) مربوط می‌شوند.

○ همانطور که می‌دانید امسال به عنوان سال امام علی (ع) نامگذاری شده است شما در مقام یک هنرمند چه نظری در این باره دارید؟

این نامگذاری بسیار شایسته است. ما امیدواریم خداوند، توانایی وسعت فکر و نظر به ما بدهد تا بتوانیم این قضیه را حس کنیم و فقط در حد شعار نباشد که بگوییم امسال، سال علی (ع) است. بلکه اینکه گفته می‌شود سال، سال علی (ع) است؛ یعنی ما روزه بگیریم و این روزه به معنای نخوردن و نخوابیدن نیست؛ به معنای همه چیز است. در چشم، زبان، گوش، عمل و کردار به یاد و نام علی (ع) روزه بگیریم و به این ترتیب، ایشان را سرمشق قرار دهیم.

○ یک هنرمند چگونه با موضوعی عینی و مفهومی مانند حضرت علی (ع)، برخورد خلاقانه می‌کند؟

آثار یک خوشنویس و یا نقاش باید قبل از هر چیز حاوی یک پیام باشد و آن پیامی است که از متن یک شعر یا یک قطعه ادبی سرچشمه گرفته باشد. بنابراین، وقتی ما شعری را می‌خوانیم باید براساس مفهوم کلمه عمل کنیم. یعنی تعریف هنر در هنر معاصر این است که شعر، نقاشی، خوشنویسی باید دارای پیامی براساس مفهوم کلمه باشد. مثلاً وقتی ما می‌گوییم: تا صورت پیوند جهان بود، علی بود/ تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود.

آنگونه اشعاری که در رابطه با هر شخصیتی و هر چیز دیگری غیر از آن شخصیت گفته می‌شود، نقاش و خطاط از آن الهام می‌گیرد. و باید سعی کند جنبه‌های تصویری به آن

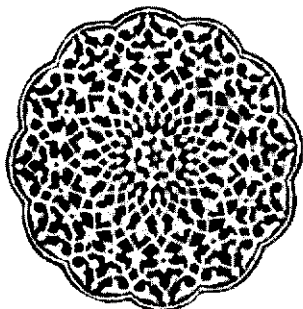


پای هنر به میان می‌آید و خوشنویس از این مرحله بگذرد و به مرحله نهایی برسد و ابراز شخصیت کند تا بتواند شناسنامه خود را در آن شیوه بیابد. اما در بخش نقاشی - خط چنین نیست. در این بخش، حروف الفبا به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده و ترکیب‌بندی‌ها (کمپوزسیون‌ها) هستند. یعنی حروف الفبا در خوشنویسی و نقاشی - خط به جای تمام عناصری که در نقاشی به کار گرفته می‌شود، جایگزین شده‌اند. در اینجا نیز هنرمند باید بتواند با این حروف، حرف خود را بیان کند و رسالت خود را به انجام برساند. به طوری که علاوه بر مردم این قسمت از دنیا، مردم چین و آمریکا و... نیز بتوانند با زبان خاص گرافیک پیام اثر را دریافت کنند.

○ از ویژگی‌های اثری که به لحاظ ظاهری و محتوایی به حضرت علی (ع) پرداخته‌اید، بگویید؟

تابلویی با عنوان «با علی» کار کرده‌ام. این اثر در ماه مبارک رمضان کار شده و یک ماه به طول انجامیده است. وجه تسمیه این اثر این است که کلمه انتخاب شده «با علی» است و نه «یا علی» چرا که «یا علی» به عنوان استغاثه به کار برده می‌شود ولی نظر من این است که وقتی می‌گوییم «با علی» به این معناست که در کنار علی (ع) هستیم و می‌خواهیم این لیاقت را داشته باشیم که در رکاب علی (ع) قرار بگیریم و در گرد کاروان حس و فرهنگ ایشان باشیم. این اثر در چهار وجه به سبک کوفی و در ترکیب با ثلث طراحی شده یعنی در شمال، جنوب، شرق و غرب به تمام جوانب تعمیم داده شده است. مهم این است که در لابلای این طراحی و در اشکالی که ایجاد شده، فرمان مالک اشتر ثبت شده است. فرمان مالک به دلیل همان مسایلی که به آن اشاره شد و بار فرهنگی که داشته و هر بند آن دارای یک پیام و راهنمایی است، مورد استفاده قرار گرفته است. وقتی که این کار انجام شد، در قسمت پایین اثر، چنین نوشته شده که با یکصد و ده بار نام علی (ع) متبرک و تحریر شده است. یعنی ما برای آنکه نام علی (ع) را به دلیل شمارش حروف ایجاد پیدا کنیم، یکصد و ده بار نام علی (ع) را تکرار کردیم. حال برای پیدا کردن این یکصد و ده بار، ما یکصد و ده بار بایستی کنجکاو و تجسس کنیم تا مطالبی را مربوط به این قضیه پیدا کنیم تا این یکصد و ده بار کامل شود. مثلاً اشعاری که در این اثر نوشته شده، مربوط به نام مبارک علی (ع) است و در جایی که مطلب کم آمده، از خود تصاویر نوشتنی کمک گرفته‌ام. مثلاً چهار نام علی (ع) در یکدیگر قرار داده شده و در مرکز این نوشته آورده شده است، این نیز اگر به این شکل درآمد به استناد خطوط کوفی است که در روبناهای ما انجام شده است. یعنی هر طراحی که در آثار نقاشی - خط انجام می‌شود، باید ارتباطی با سنت، معماری، فرهنگ و حتی با فرهنگ معاصر ما (تلفیق سنت و مدرن) داشته باشد. یعنی همین که ما چهار بار نام علی (ع) را به صورت خط

بدهد تا از آن شخص یا از آن کار، برداشت ذهنی شود. برای مثال در زمینه نقاشی - خط باید گفت که یک زبان تلویحی و اشاره و یک زبان بین‌المللی است. یعنی یک زبان گرافیک است و ما باید سمبلیک کار کنیم و از متن یک شعر، تصویری را در ارتباط با خط و نه تصویر طراحی نقاشی گونه ارائه دهیم. در واقع می‌توان گفت آن چه که ما می‌توانیم با حروف الفبا، تصویری بسازیم و در هم کنیم تا از آن برداشتی شود؛ در مرز باریکی به سر می‌برد. مانند طراحی یک جلد با خط و حروف که محتوای کتاب را بیان کند و خلاصه‌ای از داستان کتاب را به صورت قطره‌ای بر روی جلد بیاورد. و یا مانند ساختن نشانه‌ای که یک حرف از حروف الفبا یا ترکیبی از دو حرف که گویای حرفه و یا فرهنگ خاص جامعه‌ای باشد. بنابراین، می‌بینیم که نقاشی - خط چه وظیفه مهمی دارد. به این معنا که گفته می‌شود چگونه خط از نقاشی جدا می‌شود؟ باید گفت، ما این دو را از یکدیگر جدا نمی‌کنیم. این دو عضو یکدیگرند. ولی تعاریف آنها متفاوت است. خوشنویسی براساس زیبایی‌نویسی کلمه از الگوهای از پیش تعیین شده نوشته می‌شود؛ بدون اینکه پیامی داشته باشد. پیام آن، همان مطلبی است که نوشته می‌شود. مثلاً داستان، حکایت و یا شعری را می‌نویسد و چیزی را نقل قول می‌کند که قبلاً مطرح شده است. در واقع، پیام خوشنویسی درون خود آن مطلب وجود دارد. برای مثال، اگر خوشنویس شعری را می‌خواهد بنویسد، پیام آن شعر قبلاً توسط شاعر آن مطرح و مشخص شده است و هنرمند خوشنویس در اینجا فقط به عنوان یک عامل اجراست و وظیفه‌اش این است که به زیبایی‌شناسی کلمه، سطر، کرسی و بندی صفحه بپردازد. به همین دلیل است که از نظر برخی، خوشنویسی صنعت است. در حالی که باید گفت خوشنویسی در آنجا صنعت است که باید در آن تمرین شود تا ملکه ذهن گردد. اما، در آن بخش که مربوط به اعمال نظر، سلیقه و شیوه است،





شدن و از بین رفتن هستند. در واقع «نیما» در این بیت، مظلومیت ملتها را حس می‌کند و دلش می‌گیرد. بنابراین زبانش شروع به گفتن می‌کند و قلمش می‌نویسد. این موضوع، نشانگر تاثیر جامعه بر هنرمند است. هنرمند خوشنویس نیز از این مقوله جدا نیست. یکی از آثار من با عنوان «واعتصموا بحبل الله جميعا، ولا تفرقوا» است که این هم دارای پیامی است که ما معتقدیم باید در کار وجود داشته باشد. پیام این جمله چنین است که همه را دعوت به صلح می‌کند و از تفرقه پرهیز می‌دهد.

○ در آثار کدام نمونه‌های برجسته هستند که به شخصیت علی (ع) پرداخته و یا از آن تاثیر گرفته اند؟

می‌توان گفت اکنون معماران ما در این زمینه بیکار نیستند. بخصوص مانند آنچه که در گذشته انجام شده، در حال حاضر نیز تلاش می‌کنند، انجام شود. وقتی صحبت از معماری اسلامی می‌شود بی‌آنکه به چشم دیده شود، به نوعی با فرهنگ علی‌گونه در این مملکت ارتباط پیدا می‌کند. یعنی حتی کلمات و نه تصاویر، از فرهنگ علی (ع) به صورت گسترده‌ای مشاهده می‌شود. چون ملت ما شیعه است و از مکتب امام علی (ع) پیروی می‌کند. البته بخشی از این پیروی از طرز تفکر دوره صفوی تاثیر گرفته و مقداری قضیه را لوٹ کرده است. ولی اگر مقداری آن را واقعی‌تر ببینیم و از مسایل جنبی که حاکم شده منزه کنیم، خواهیم دید که هنر خوشنویسی، معماری، شعر و ادبیات از حضرت علی (ع) تاثیر گرفته‌اند و فرهنگ علی (ع) در این کشور رایج است؛ بخصوص در هنر معماری ما بسیار مشهود است.

○ به نظر شما با توجه به آثار به جای مانده از امام علی (ع) ایشان در زمان خود تا چه حد به خطاطی و خوشنویسی توجه داشته و چه ویژگی‌هایی را می‌توان در این آثار مشاهده کرد؟ همانطور که گفته شد، ایشان اولین کاتب قرآن مجید بوده‌اند و خطوطی را که با خط کوفی با قلم نی بر روی پوست آهو نوشته‌اند، در موزه آستان قدس رضوی موجود است. از طراحی‌هایی که ایشان انجام داده‌اند، پس از گذشت قرن‌ها، اکنون به عنوان یک الگو استفاده می‌شود. یعنی از لحاظ ترکیب‌بندی، ایستادگی کلمات، قدرت قلم و چیزهایی که در تعریف ترکیب‌بندی در نقاشی امروز مطرح است، در خطوط روشن حضرت علی (ع) کاملاً بدون نقص و گویاست. البته به تبعیت از ایشان، ائمه اطهار ما و نسل‌های بعد از ایشان نیز به نوعی خوشنویسی را با الگویی که از حضرت علی (ع) داشته‌اند، ارائه کرده‌اند.

کوفی درهم می‌آوریم، به همان موتیفهایی که در روبناهای اسلامی ما وجود دارند و با آجرچینی کار شده‌اند، اشاره می‌کنیم. حتی خود انتخاب قطع هشت ضلعی به دلیل اشاره به معماری اسلامی ماست. به این معنا که اگر ما به روزنه‌های سقف‌های معلق و زیر گنبدها نگاه کنیم، خواهیم دید که اینها به طور وفور، شکل هشت ضلعی دارند. اصطلاحی در معماری کهن ما به نام «هشتی‌ها» وجود دارد. مثل معماری یزد؛ که منظور همان هشت ضلعی‌ها هستند. برای مثال، حوض مساجدی چون مسجد جامع، هشت ضلعی است. در واقع، هشت ضلعی در بسیاری از قسمت‌های معماری ما جای گرفته است. بنابراین هشت ضلعی در اثر «با علی» به همین دلایلی که مطرح شد، به کار برده شده است.

به طور کلی، آنچه که در نقاشی خط بسیار اهمیت دارد، در دو بخش مطرح است. یکی بخش تصویری و ظاهری قضیه است و دیگری آن چیزی است که به کار اعتبار می‌دهد ولی به چشم دیده نمی‌شود. یعنی احساس هنرمند است. به نظر من، هنر بدون احساس، عاری از هر نوع جاذبه می‌باشد. بخصوص در کار ما (خوشنویسی) که در ارتباط با ادبیات، شعر، فلسفه و عرفان است، باید احساس وجود داشته باشد. بنابراین یک خوشنویس ناچار است با ادبیات کهن، شعرا و نویسندگان بزرگ سرو کار پیدا کند و ترجمه‌ها را ببیند و احساسات آنها را در هر زمینه‌ای درک کند. هنرمند واقعی باید مانند مویرگ‌های گلها حساس باشد و از همه فراز و نشیبهای جامعه خود تاثیر بپذیرد. وقتی که «نیما» می‌گوید: «غم این خفته چند خواب در چشم ترم می‌شکند» منظور وی تاثیر نافرمانی‌های جامعه است که مثلاً عده‌ای در حال کشته

